

نقش عوامل قانونی و تشکیلاتی، مدیریت منابع و گروه های اجتماعی در تخریب منابع

طبیعی تجدید پذیر

ناصر انصاری^۱، سیدجعفر سیداخلاقی شال^۱ و محمدفیاض^۱

چکیده

تخریب منابع طبیعی کشور پدیده ایست که در چند دهه اخیر بیش از گذشته گسترش یافته و ذهن کارشناسان، دست اندرکاران و مسئولین را کم و بیش به خود متوجه نموده است. از جمع عواملی که از آنها به عنوان عوامل تأثیرگذار در بروز این وضعیت یاد می‌شود، از جمله عوامل قانونی، تشکیلاتی، اداری و حقوقی مرتبط با منابع طبیعی می‌باشد. این تحقیق در سطح 11 استان کشور که در مناطق مختلف آب و هوایی کشور پراکنده هستند، انجام گرفت. طی کار میدانی و جمع آوری اطلاعات 504 پرسشنامه از کارشناسان دست اندرکار منابع طبیعی تکمیل شد. در این پرسشنامه، نظرات آنها در مورد عوامل قانونی و تشکیلاتی که به نحوی در ایجاد زمینه برای تخریب منابع طبیعی تأثیر دارند، همچنین اشکال مختلف مدیریت منابع طبیعی و اثر آنها در تخریب، نقش و میزان تأثیر گروههای اجتماعی شامل شهرنشینان، روستائیان و عشایر و وضعیت اقتصادی آنها در تخریب منابع طبیعی، جمع آوری و جمع بندی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که عواملی چون کمبود نیرو و امکانات برای کنترل عرصه‌ها 21/2 درصد، کم توجهی و انگیزه پائین مأمورین، مسئولین و کارشناسان 16/4 درصد و عدم وجود قوانین قاطع 16/2 درصد از عوامل قانونی و تشکیلاتی مؤثر در تخریب منابع طبیعی را موجب شده‌اند. موارد دیگری چون عدم وضوح قوانین موجود، عدم بر خورد قاطع دادگستریها با متخلفین، پائین بودن میزان جریمه‌ها و بطور کلی، نقص قوانین و کمبود قوانین لازم به ترتیب از دیگر عوامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی می‌باشند. از نظر اشکال مدیریت، مدیریت دولتی بر منابع طبیعی با 22/8 درصد، مدیریت عمومی بهره‌برداران (مشاع) با 17/9 درصد و مدیریت گروهی در طرحهای مرتعداری با 15/6 درصد در تخریب منابع طبیعی مؤثر هستند. عواملی چون مدیریت در قالب شرکتهای تعاونی مرتعداری، مدیریت خصوصی بهره‌برداران غیر محلی و مدیریت خصوصی بهره‌برداران (چند خانوار) در مراتب بعدی از نظر تأثیرشان در تخریب منابع طبیعی قرار دارند. مدیریت فردی بهره‌برداران کمترین تأثیر را در این زمینه دارد. در رابطه با گروههای اجتماعی، روستائیان با 47/4 درصد بیشترین اثر را در تخریب منابع طبیعی داشته‌اند، در حالیکه عشایر عامل 32/3 درصد و شهرنشینان عامل 20/3 درصد تخریب منابع طبیعی بوده‌اند. همچنین نقش روستائیان و عشایر فقیر با 58/6 درصد در تخریب منابع طبیعی بیشتر از نقش روستائیان و عشایر غنی بوده‌است.

1- اعضای هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور

واژه های کلیدی: منابع طبیعی، تخریب، عوامل قانونی و تشکیلاتی، مدیریت، بهره برداران.

مقدمه

مراتع کم و بیش به خود بهره‌برداران و به عبارت بهتر رده‌های بالایی جوامع بهره‌بردار یعنی خوانین و بیگلربیگی‌ها و کلانتران متعلق بود که با شیوه‌های سنتی و براساس قواعد و ضوابط عرفی و محلی از آنها استفاده می‌کردند (8).

در این شیوه‌ها، تصمیم‌گیرندگان جوامع بهره‌بردار، سطوح منابع، میزان دام استفاده‌کننده، دوره‌ی بهره‌برداری و زمان ورود و خروج دام به عرصه‌ها و حرکت به بیلاق یا قشلاق را براساس تجربه، تعیین و بر اجرای آن نظارت می‌کردند. پس از ملی شدن منابع طبیعی و فروپاشی نظام ایللی و حذف قواعد عرفی و سنتی، دستگاه اداری به عنوان مالک جدید منابع و طبعاً تصمیم‌گیرنده در بسیاری از زمینه‌ها، سعی نمود که با ایجاد تشکیلات اداری، وضع قوانین، دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌ها و گماردن مأمورین و ضابطین به ایفای نقش خود بپردازد. بعد از انقلاب اسلامی نیز این وضعیت با تغییرات مختصری در تعاریف منابع طبیعی و مالکیت آن و جابجایی اداری و سازمانی دستگاه متولی و قوانین و آئین‌نامه‌ها کم و بیش ادامه یافت. با این اوصاف، بررسی‌ها نشان می‌دهد که روند تشدید تخریب منابع طبیعی که بعد از ملی شدن آنها آغاز شده بود با اُفت و خیز همچنان ادامه دارد (15).

در مقوله بررسی عوامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی، باید به نقش عوامل قانونی و تشکیلاتی، وضعیت مدیریت منابع طبیعی و وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی بهره‌برداران، توجه داشت. به عبارت دیگر، اعتقاد

قرار گرفتن سرزمین ایران در محل تلاقی جبهه‌های مختلف جوی موجب آن شده که انواع اقالیم حیاتی، بخصوص اقالیم حیاتی خاص سرزمینهای خشک در آن قابل مشاهده باشد. علیرغم خشکی آب و هوا در بیشتر سطح کشور، پوشش گیاهی متنوع و سرشار از گونه‌های گیاهی در عرصه مراتع و جنگلها، سطح وسیعی از کشور را پوشانده است. سوابق تاریخی و اشاراتی که در نوشته‌های گذشتگان ملاحظه می‌شود، نشان می‌دهد که پوشش گیاهی همه جای این سرزمین به دلیل انطباق با شرایط اکولوژیک از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده‌است.

این وضعیت موجب آن شده که تولید، زندگی و معاش مردم به مقدار زیادی به منابع طبیعی و بخصوص پوشش گیاهی متکی شود. با این وجود تا زمانیکه استفاده از این منابع در حد توان و ظرفیت آنها بوده، دستخوش تغییرات منفی و تخریب نشده‌اند، لیکن طی دهه‌های اخیر در اثر عوامل گوناگون که عمده آن عوامل اجتماعی و اقتصادی میباشد، دچار آسیبهای جدی و نگران‌کننده شده است. به عبارت دیگر نظام بهره‌برداری از منابع این وضعیت را به وجود آورده است. از اجزای این نظام، منابع و مالکیت آنها، قوانین و قواعد بهره‌برداری و دستگاهها و تشکیلات نظارتی از یک طرف و وضعیت و جایگاه اجتماعی و اقتصادی بهره‌برداران از طرف دیگر می‌باشد.

تا قبل از ملی شدن منابع طبیعی در سال 1341، مالکیت و حق بهره‌برداری از جنگلها و

دامداران و عشایر دارای 100 تا 200 رأس گوسفند متغیرهای هزینه‌ی سالانه علوفه‌ی، بی توجهی دولت به مراتع و چرای مفرط، مشخص نبودن مالکیت و هزینه‌ی سالانه علوفه به ترتیب مهمترین عوامل موثر بر تشدید تخریب مراتع می‌باشد.

حیدری (1377)، علاوه بر جنگل نشینان و دامداران، برداشت صنعتی کارخانجات، پیمانکاران جنگل، مدیریت اجرایی سازمان جنگلها و مراتع، قوانین و تعاونی‌های جنگل نشین را در تخریب جنگل‌های شمال کشور سهم دانسته است. سرداری (1378)، نقش شیوه‌های مختلف بهره‌برداری و مدیریت در وضعیت مراتع استانهای چهارمحال و بختیاری را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که طرحهای مرتعداری در این استان کارایی پیش بینی شده را نداشته و نتوانسته است اهداف مورد نظر را که عبارت از جلوگیری از تخریب و احیاء مراتع می‌باشد، برآورده سازند. شوکت فدایی و سندگل (1378)، به تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم انسان در تخریب مراتع اشاره نموده و مواردی همچون تأثیر فروپاشی نظام بهره‌برداری ایلیاتی از مراتع، افزایش جمعیت و تقاضای بیشتر برای گوشت قرمز یا افزایش تعداد دام، کاهش سطح مراتع در اثر تبدیل اراضی مرتعی به اراضی زراعی و باغی، فعالیتهای عمرانی مانند ایجاد مراکز صنعتی، پادگانها، شرکتهای، بزرگراهها و تأمین سوخت، مصالح ساختمانی_ بهره‌برداری از گیاهان دارویی و صنعتی و مدیریت غلط چرای دام را از جمله مسایل مهم تخریب مراتع بیان می‌دارند.

نگارندگان بر این است که دستگاه‌های اداری با وضع قوانین متعدد و در مواردی متناقض، تصمیم گیری‌های یک سویه، ضعف در اجرای قوانین، کمبود نیروها و امکانات برای کنترل عرصه‌ها و بالاخره کم توجهی و بی انگیزه بودن مأمورین و ضابطین، خود در ایجاد وضعیتی که به تخریب منابع طبیعی منجر شده است، سهم دارند. از طرفی عدم تعلق خاطر بهره‌برداران به منابع طبیعی به دلیل اشکال کنونی مدیریت آنها، روستایی یا عشایر بودن آنها و وضعیت اقتصادی بهره‌برداران، هر یک به نوعی در تخریب منابع طبیعی سهم و نقش دارند.

انصاری (1375)، به بررسی محدودیتهای و موانع توسعه مراتع زاگرس میانی پرداخته و نتیجه‌گیری کرده عواملی چون محدودیت‌های طبیعی، مشکلات اجتماعی، مسائل فنی و مسائل تشکیلاتی از مهمترین محدودیت‌های احیاء و توسعه و بهره‌برداری صحیح این مراتع می‌باشد. یوسفی (1375)، پنج عامل تبدیل اراضی مرتعی به زراعت، چرای خارج از فصل، چرای مفرط و بیش از ظرفیت، بوته کنی و روشن نبودن وضعیت مالکیت منابع طبیعی را از مهمترین عوامل نابودی منابع طبیعی در استان کردستان عنوان نموده است. دهقانیان و سرافراز (1377)، عوامل تخریب مراتع شمال خراسان را از دیدگاه اکولوژیکی و اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که در بین دامداران و عشایر دارای کمتر از 100 رأس گوسفند، متغیرهای بی توجهی دولت به مراتع، هزینه سالیانه علوفه و بوته کنی و قطع علوفه مهمترین عوامل مؤثر بر تشدید تخریب مراتع بوده و در بین

مهاجری (1379)، تغییرات مساحت، ظرفیت، وضعیت و گرایش مراتع در ارتباط با سیاست‌گذاری و مدیریت در منطقه قورته‌په‌سی شهرستان سمیرم اصفهان را مورد مطالعه قرار داده و اظهار داشته که بدلیل یارانه بر روی نهاده‌های کشاورزی و ماشین‌آلات خصوصاً از سالهای 1335 تا 1365، سطح زیر کشت گندم دیم و آبی افزوده شده ولی در سال 1377 از سطح اراضی زراعی کاسته شده که علت عمده آن حذف یارانه و هزینه بر بودن شخم و آماده سازی زمین می‌باشد و نیز نتیجه گرفته است که همچنان فشار و تخریب مراتع بدلیل چرای مفرط دام ادامه داشته و مدیریت دولتی در زمینه کنترل زمان ورود دام در تغییر گونه‌ای و کند نمودن روند تخریب تاثیر گذار بوده ولی به تنهایی نمی‌تواند چاره مشکلات را بنماید و سیاست دولت می‌بایست در جهت رسیدن به تعادل دام و مرتع باشد.

علی اکبرزاده آلنی و خوشزار (1379)، در طرح پژوهشی «بررسی ارتباط بین نظام مالکیت و تخریب مراتع استان اردبیل با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره» به نتایج مختلفی دست پیدا نموده‌اند که از جمله این یافته‌ها می‌توان به همبستگی معنی‌دار بین ساختار اجتماعی بهره‌برداران با ترکیب گونه‌ای و زادآوری گونه‌های مرغوب و درصد تولید از کلیماکس، رابطه معنی‌دار بین نظام مالکیت و بهره‌برداری و احساس تعلق خاطر با وضعیت فعلی مراتع، رابطه معنی‌دار و مثبت بین متغیر مالکیت مشاع با گرایش مرتع، رابطه مثبت بین مالکیت دولتی با گرایش مرتع و وجود رابطه‌ای قوی بین مجوز بهره‌بردار

رضایی (1379)، در مقاله‌ای با عنوان علل و عوامل عمده ی تخریب مراتع در استان ایلام، نابودی شیوه‌های سنتی حفاظت و قرق، نابودی ساختارهای اجتماعی ایلی، ملی شدن مراتع و حذف مالکیت اشخاص، تبدیل مراتع به مزارع دیم، بهم خوردن تعادل دام-مرتع-انسان، رعایت نکردن اصول چرا و چرای زودرس، فقر فرهنگی و مالی عشایر و دامداران، تحولات اقتصادی-اجتماعی، مرزی بودن مراتع قشلاقی استان، عشایر کوچ‌رو استانهای همجوار، عدم مشارکت مردم در برنامه‌های اصلاحی، چرای خارج از فصل، بهره‌برداری جنبی از مراتع، توسعه و گسترش راههای ارتباطی و استفاده نامطلوب روستائیان و شهرنشینان را از مراتع پانزده عامل اصلی تخریب مراتع استان ایلام ذکر می‌کند.

کریمی (1379)، ساختار اجتماعی عشایر کوچنده کرد و نیمه کوچنده ترکمن و رابطه آن با تخریب مراتع در شمال شرق استان گلستان را مطالعه نموده و عوامل موثر در تخریب این مراتع را به ترتیب رتبه تاثیر بصورت افزایش جمعیت عشایری، اختلاف و رقابت در بهره برداری مرتع بین عشایر (دامدار) و روستایی (زارع)، قانون اصلاحات اراضی، نابسامانی بوجود آمده در زمان وقوع انقلاب اسلامی، اختلاف و رقابت در بهره‌برداری از مرتع بین دو جامعه عشایر کرد و ترکمن، فروپاشی نظام ایلی و طایفه‌ای، پیدایش تکنولوژی نوین، تغییر تشکیلات دامداری و مالکیت، رواج مالکیت خصوصی، روی آوردن به معیشت مستقل و کوچ نشینی ذکر نموده است.

(پروانه چرا) با تولید و تاج پوشش و گرایش مرتع اشاره نمود.

ابراهیم پور (1380)، در بررسی عوامل انسانی مؤثر بر تخریب جنگلها و مراتع با تاکید بر منطقه زاگرس با دسته‌بندی این عوامل به عوامل کلان و ساختی، عوامل بلافصل، عینی، عوامل طبیعی و اقلیمی، مهمترین علل تخریب منابع طبیعی منطقه را افزایش جمعیت، افزایش نیازها، نظام‌های مدیریتی و سازمانی، قطع بی رویه درختان، تبدیل به کاربری‌های زراعی، چرای بی رویه و زودرس و نامنظم و اقدامات توسعه‌ای و عمرانی و صنعتی می‌داند. عبدالله پور (1380)، در مقاله ارائه شده در دومین همایش ملی مرتع و مرتعداری ایران، مشاعی بودن نظام بهره‌برداری را مهمترین عامل تخریب معرفی نموده و بدون اولویت دادن به آن طرح تعادل دام و مرتع را بی نتیجه اعلام کرده است.

رضوی (1380)، با اشاره به بوته کنی بعنوان یکی از مهمترین عوامل تخریب پوشش گیاهی استان سمنان، سه عامل نیاز به بوته، مشکلات تهیه مواد سوختی، نبود قانونی مدون و قابل اجرا را از عوامل تخریب ذکر کرده‌اند. خورشیدی و انصاری (1382)، عنوان کرده‌اند که کلیه بهره‌برداران مورد مطالعه آگاهی و دانش لازم را نسبت به تخریب منابع طبیعی و عوامل آن دارند (ما مسایلی از قبیل عدم مالکیت مراتع و جنگلها، بوته کنی برای سوخت، بهم خوردن نظام ایللیاتی در کوچ، رقابت در چرای دام، عدم وجود زمین‌های مسطح برای کشاورزی و غیره باعث می‌شود که ناخواسته به تخریب منابع اقدام کنند.

مواد و روش ها

بر اساس تقسیم‌بندی آب و هوایی به روش هانری پابو، کشور به 3 ناحیه کلان آب و هوایی و 8 زیرناحیه تقسیم شده است. با توجه به تاثیر غیر قابل انکار آب و هوا بر ساختار پوشش گیاهی، به منظور استفاده از این اثر نسبت به انتخاب تعداد 11 استان کشور که در نواحی و زیر نواحی مختلف پراکنده بودند اقدام شد. انتخاب این استانها به گونه‌ای بود که با توجه به پراکندگی آنها در اقالیم و شرایط اجتماعی- اقتصادی مختلف، بتوان نتایج به دست آمده را به کل کشور تعمیم داد. 11 استان مورد نظر، شامل استانهای اردبیل، گیلان، همدان، کرمانشاه، تهران، مرکزی، خوزستان، اصفهان، یزد، بوشهر و سیستان و بلوچستان که در مناطق مختلف کشور با ساختارهای گوناگون اجتماعی- اقتصادی و تنوع بهره‌برداران و پوشش گیاهی بود، نسبت به ارسال پرسشنامه‌هایی برای کارشناسان اجرایی ادارات منابع طبیعی، حاوی سئوالات بسته و باز در مورد عوامل فنی و اجتماعی- اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی و اهمیت و اولویت عوامل اصلی و مهم و همچنین نقش اشکال مدیریت در تخریب منابع طبیعی، نقش عوامل قانونی و تشکیلاتی در تخریب منابع طبیعی و نقش گروههای اجتماعی و وضعیت اقتصادی آنها در تخریب منابع طبیعی اقدام شد.

در این پرسشنامه از پاسخگویان خواسته شده بود که اثر اشکال مختلف مدیریت و یا به

تعبیر بهتر اثرحالت‌های مختلفی را که در قالب آن از عرصه‌های منابع طبیعی بهره‌بر داری می‌کنند در تخریب منابع طبیعی به ترتیب اولویت رتبه‌بندی نمایند. همچنین اولویت بندی نمایند که کدام عامل قانونی، اداری و فردی در اثر نقص یا نارسایی خود در تخریب منابع طبیعی اثر گذار می‌باشد و نقش کدامیک از گروه‌های اجتماعی و وضعیت اقتصادی آنها در تخریب منابع طبیعی بیشتر است. نسبت گزینه‌های انتخاب شده برای پاسخ هر سؤال چند گزینه‌ای به کل پاسخها برحسب درصد تعیین و در جمع بندی مورد استفاده قرار گرفت.

با توجه به اینکه در نظر بود از حداکثر نظرات پاسخ‌گویان استفاده شود با توجه به برآورد تعداد نیروهای مرتبط در این استانها در مجموع 876 پرسشنامه برای آنها ارسال شد که از این تعداد، 504 پرسشنامه تکمیل شده دریافت شد که نسبت به استخراج و دسته‌بندی پاسخها و استنتاج لازم از آنها اقدام و نتایج بدست آمده مورد بحث و نتیجه گیری قرار گرفت.

نتایج

1- عوامل قانونی و تشکیلاتی مؤثر در تخریب منابع طبیعی

به منظور دستیابی به نقش عوامل قانونی، اداری تشکیلاتی و سازمانی بر تخریب منابع طبیعی در پرسشنامه کارشناسان و دست‌اندرکاران منابع طبیعی سهم گروهی از این عوامل که بیشتر مطرح بودند در تخریب منابع طبیعی پرسیده شد. در جدل شماره (1)

پاسخ‌های داده شده به این پرسش در 10 استان که اطلاعات مورد نیاز تولید شده، آورده شده است. توضیح اینکه پاسخ این پرسش در استان بوشهر بدست نیامد. بدیهی است که برحسب شرایط خاص هر منطقه یا استان نسبت سهم عوامل در میزان تخریب منابع طبیعی متفاوت می‌باشد. همچنانکه این جدول نشان می‌دهد، بیشترین سهم را در تخریب منابع طبیعی از این بُعد، کمبود نیرو و امکانات برای کنترل عرصه‌ها با 21/2 درصد به عهده دارد. مواردی چون کم توجهی مأمورین، مسئولین و کارشناسان با 16/4 درصد در رتبه دوم و عامل عدم وجود قوانین قاطع با 16/2 درصد در رتبه سوم از عوامل قانونی و تشکیلاتی مؤثر در تخریب منابع طبیعی قرار دارد. عدم وضوح قوانین موجود و وجود امکان تفاسیر مختلف از آنها با فاصله قابل توجه در رتبه چهارم قرار دارد. عدم برخورد قاطع دادگستریها با متخلفین که منجر به تطویل دادرسی و دادن رأی علیه ادارات متولی و مرتبط با منابع طبیعی می‌شود، رتبه بعدی را دارد. کمبود قوانین لازم و یا شاید کارساز نبودن قوانین موجود و پائین بودن میزان جریمه‌ها که باعث کاهش اثر بازدارندگی مخربین منابع طبیعی می‌شود در مراتب انتهایی می‌باشند.

2- اثر اشکال مختلف مدیریت در تخریب منابع طبیعی

در سؤال دیگری از کارشناسان، اثر شکل مدیریت یا چگونگی انتفاع از عرصه‌های منابع طبیعی در قالب‌های موجود، در تخریب این منابع پرسیده شد. پاسخ‌های آرایه شده

واقع این دو شکل که به تعبیری نشاندهنده استفاده همگانی و عام از مراتع میباشد عامل حدود 40/7 درصد تخریب آنهاست. طبق نظر کارشناسان، مدیریت یا شکل بهره‌برداری در قالب طرحهای مرتعداری عامل 15/6 درصد تخریب و شرکتهای تعاونی مرتعداری عامل 14/8 درصد تخریب شناخته شده‌اند. به عبارت دیگر، عامل 30/4 درصد تخریب نیز اشکال جدید بهره‌برداری از مراتع معرفی شده‌اند. مدیریت فردی یا بهره‌برداری از یک عرصه توسط تک خانوار کمترین اثر را در تخریب منابع طبیعی داشته است و پس از آن مدیریت یا بهره‌برداری چند خانواری قرار گرفته است. واگذاری عرصه‌ها به بهره‌برداران غیر محلی که ظاهراً در قالب طرحهای احیایی صورت گرفته نیز از نظر اثر آن در تخریب منابع طبیعی بدلیل تغییر در کاربری عرصه‌ها و تبدیل آن به کاربری‌های غیر منابع طبیعی با 12/1 درصد نسبت قابل توجهی را شامل شده است.

برحسب درصد تأثیر آنها در تخریب در جدول شماره (2) آمده است. توضیح اینکه پاسخ این سؤال در استان اصفهان بدست نیامد. کارشناسان برحسب عمده بودن اشکال بهره‌برداری از عرصه‌ها در مناطق کاری خود به یکی از پاسخ‌های متناسب با وضعیت موجود، امتیاز داده‌اند. همانگونه که انتظار می‌رفت، امتیاز این پاسخها نیز متفاوت می‌باشد. همانگونه که در این جدول مشخص می‌باشد، به نظر کارشناسان دست اندر کار منابع طبیعی شکل مدیریت دولتی بر عرصه‌های منابع طبیعی با 22/8 درصد بیشترین اثر را در تخریب منابع طبیعی داشته است. به عبارت دیگر، در حال حاضر که مالکیت این عرصه در اختیار دولت بوده و همه بهره‌برداران می‌توانند به هر شکل از آنها استفاده کنند، سبب شده که بیشترین تخریب در منابع طبیعی صورت گیرد. بعد از این حالت، بهره‌برداری عمومی یا مشاع که اغلب در مراتع حریم روستاها حاکم می‌باشد بیشترین اثر را در تخریب آنها داشته است. در

جدول 1: عوامل قانونی و تشکیلاتی مؤثر در تخریب منابع طبیعی کشور از دیدگاه کارشناسان

جمع	سایر	کم توجهی مأمورین، مسئولین و کارشناسان	کمبود نیرو و امکانات برای کنترل عرصه‌ها	پائین بودن میزان جریمه‌ها	عدم برخورد قاطع دادگستریها با متخلفین	عدم وضوح قوانین موجود	کمبود قوانین لازم	عدم وجود قوانین قاطع	عوامل قانونی و تشکیلاتی	
									درصد	رتبه
100	-	17/8	19/3	8/2	15/4	10/7	9/7	18/9	درصد	اردبیل
	-	3	1	7	4	5	6	2	رتبه	
100	-	15	12	11	19	9	16	18	درصد	گیلان
	-	4	5	6	1	7	3	2	رتبه	
100	-	15	16/9	13/3	16/4	12/7	11/7	14/1	درصد	کرمانشاه
	-	3	1	5	2	6	7	4	رتبه	

ادامه جدول 1: عوامل قانونی و تشکیلاتی مؤثر.....

جمع	سایر	کم توجهی، مأمورین و مسئولین و کارشناسان	کمبود نیرو و امکانات برای کنترل عرصه‌ها	پائین بودن میزان جریمه‌ها	عدم برخورد قاطع دادگستریه با متخلفین	عدم وضوح قوانین موجود	کمبود قوانین لازم	عدم وجود قوانین قاطع	عوامل قانونی و تشکیلاتی	
									درصد	رتبه
100	3/9	15/5	15/6	9/2	13/5	10/8	13/2	18/3	درصد	همدان
	8	3	2	7	4	6	5	1	رتبه	
100	1	12/8	17/6	13/8	14/7	12/8	11/8	15/5	درصد	تهران
	8	6	1	4	3	5	7	2	رتبه	
100	-	16/6	16/7	11/1	3/5	23/9	3/9	23/9	درصد	مرکزی
	-	4	3	5	7	2	6	1	رتبه	
100	-	15/7	23/6	8/1	13	8/7	13/2	17/7	درصد	خوزستان
	-	3	1	7	5	6	4	2	رتبه	
100	-	28/6	41/3	-	-	30/1	-	-	درصد	اصفهان
	-	3	1	-	-	2	-	-	رتبه	
100	3/9	18	19/5	10	12/4	11	8/6	16/6	درصد	یزد
	8	2	1	6	4	5	7	3	رتبه	
100	-	9/6	29/1	11/4	13/2	10/1	7/3	19/3	درصد	سیستان و بلوچستان
	-	6	1	4	3	5	7	2	رتبه	
100	1/1	16/4	21/2	9/6	12/1	13/9	9/5	16/2	درصد	میانگین
	8	2	1	6	5	4	7	3	رتبه	

جدول 2: اثر اشکال مختلف مدیریت در تخریب منابع طبیعی کشور از دیدگاه کارشناسان

جمع	مدیریت گروهی در طرح‌های مرتعداری	مدیریت در قالب شرکت‌های تعاونی مرتعداری	مدیریت خصوصی بهره برداران غیرمحملی	مدیریت فردی بهره برداران	مدیریت خصوصی بهره برداران (چند خانوار)	مدیریت عمومی بهره برداران (مشاع)	مدیریت دولتی	اشکال مالکیت منابع طبیعی	
								درصد	رتبه
100	16/4	12/7	3/6	14/6	3/6	21/8	27/3	درصد	اردبیل
	3	5	7	4	6	2	1	رتبه	
100	11/8	14/8	26/5	11/7	2/9	11/7	20/6	درصد	گیلان
	2	3	1	6	7	5	2	رتبه	
100	12/3	10/5	35/1	8/8	1/7	19/3	12/3	درصد	کرمانشاه
	4	5	1	6	7	52	3	رتبه	
100	13/8	12	1/3	5/9	34/5	9/7	22/8	درصد	همدان
	3	4	7	6	1	5	2	رتبه	
100	15/4	13	15	9/4	10/6	17/3	15/5	درصد	تهران
	3	5	4	7	6	1	2	رتبه	
100	10/1	17/4	24/2	3/4	10/1	17/4	17/4	درصد	مرکزی
	5	4	1	7	6	3	2	رتبه	

100	19/3	-	-	0/8	16/5	41/7	21/7	درصد	خوزستان
	3	-	-	5	4	1	2	رتبه	

ادامه جدول 2: اثر اشکال مختلف مدیریت در تخریب.....

جمع	مدیریت گروهی در طرحهای مرتعداری	مدیریت در قالب شرکتیهای تعاونی مرتعداری	مدیریت خصوصی بهره برداران غیرمحملی	مدیریت فردی بهره برداران	مدیریت خصوصی بهره برداران (چند خانوار)	مدیریت عمومی بهره برداران (مشاع)	مدیریت دولتی	اشکال مالکیت منابع طبیعی	
								باز	رتبه
	11	14	15	8	12	18	22	درصد	استان
	6	4	3	7	5	2	1	رتبه	
100	21/7	16/9	-	3/3	3/2	24/2	30/7	درصد	بوشهر
	3	4	-	5	6	2	1	رتبه	
100	26/4	34/7	-	-	-	-	38/9	درصد	سیستان و بلوچستان
	3	2	-	-	-	-	1	رتبه	
100	15/6	14/8	12/1	7/4	9/4	17/9	22/8	درصد	میانگین
		4	5	7	6	2	1	رتبه	

3- نقش گروه های اجتماعی و وضعیت اقتصادی آنها در تخریب منابع طبیعی

در یک تقسیم بندی کلی جمعیت کشور را می توان در 3 گروه عمده شامل روستائیان، عشایر و شهرنشینان دسته بندی کرد. در این زمینه که کدامیک از گروه های اجتماعی یاد شده نقش بیشتری در تخریب منابع طبیعی به عهده دارند و آیا وضعیت اقتصادی آنها در قالب دو عبارت عام فقیر و غنی (در مورد روستائیان و عشایر) تأثیری در میزان و شدت تخریب منابع طبیعی توسط آنها دارد، سئوالی مطرح و در استانهای محل اجرا از کارشناسان و دست اندر کاران منابع طبیعی پرسیده شده است. پاسخهای داده شده به این سئوال در جدول شماره (3) آورده شده است. با توجه به این جدول مشخص می شود که روستائیان 47/4 درصد در تخریب منابع طبیعی تأثیر دارند. عشایر با 32/3 درصد در مرتبه بعدی قرار دارند و شهرنشینان با کلیه اقدامات خود

20/3 درصد در تخریب منابع طبیعی تأثیرگذار می باشند. مسئله مهم بعدی نقش روستائیان و عشایر فقیر یا غنی در تخریب منابع طبیعی می باشد.

توضیح اینکه عبارات غنی و فقیر که توسط کارشناسان دست اندرکار منابع طبیعی تعبیر شده، عباراتی عام بوده و حد و مرز کمی برای آن قایل نشده اند. لیکن با پرسشهای به عمل آمده، بیشتر تعداد دام خانوار و رونق کار دامداری یا کشاورزی خانوار مد نظر بوده و با استناد به آن، خانوار فقیر یا غنی شناخته شده است.

بهرحال نظر عموم کارشناسان مورد پرسش در این تحقیق بر این بوده که خانوارهای فقیر به دلیل نیاز بیشتر، به منظور تأمین هزینه های خود از محل استفاده از منابع طبیعی، فشار بیشتری بر آن وارد نموده و سهم بیشتری در تخریب منابع طبیعی دارند. از طرفی به دلیل عدم توان مالی در جهت حفظ عرصه ها و انجام

پررنگ شدن نقش آنها در تخریب منابع طبیعی بی تأثیر نباشد.

از دیگر سو، نقش روستائیان و عشایر غنی به تعبیر پیش گفته، از طریق تراکم دام بیشتر و اشغال سطح بیشتر اراضی مرتعی و زراعی در تخریب منابع طبیعی قابل تفسیر می باشد.

عملیات اصلاحی هزینه‌ای نکرده یا اقدامی به عمل نمی‌آورند.

شاید نسبت بسیار بالای تعداد دامداران خرده پا و کم دام و کشاورزان کم زمین نسبت به دامداران دارای تعداد کافی دام و زمین، در

جدول شماره 3: نقش گروه‌های اجتماعی و وضعیت اقتصادی آنها در تخریب منابع طبیعی

وضعیت اقتصادی	گروه اجتماعی							استان	ردیف
	روستائیان و عشایر		شهرنشینان		عشایر		روستائیان		
	غنی	فقیر	رتبه	درصد	رتبه	درصد	رتبه		
-	*	3	14/6	2	38	1	47/4	اردبیل	1
34	66	2	25	-	-	1	75	گیلان	2
-	-	3	17	2	38	1	45	کرمانشاه	3
-	-	3	26/8	2	35/4	1	37/8	همدان	4
34/2	65/8	3	30	2	35/6	1	34/4	تهران	5
66/3	33/7	3	6/6	2	19/6	1	73/8	مرکزی	6
35	65	3	16/6	2	39	1	44/4	خوزستان	7
36/5	63/5	3	28/6	2	30/1	1	41/3	اصفهان	8
33	67	3	19/7	1	43/7	2	36/6	یزد	9
42	58	3	12	2	42	1	46	بوشهر	10
50	50	3	26/6	2	33/7	1	39/7	سیستان و بلوچستان	11
41/4	58/6	3	20/3	2	32/3	1	47/4	میانگین	

*پاسخ این سؤال در این استانها بدست نیامد.

قاطع، عدم وضوح قوانین موجود، عدم برخورد قاطع دادگستریها با متخلفین، پائین بودن میزان جریمه‌ها که بطور کلی می توان از آنها با عنوان نقص قوانین یاد نمود و کمبود قوانین لازم در مراتب بعدی قرار دارند. اگر دقت شود دو عاملی که رتبه 1 و 2 را بدست آورده‌اند، مربوط به عامل انسانی یعنی مأمورین و انگیزه‌های کاری آنهاست. واقعیت این است که اگر هدف این است که عرصه‌های منابع طبیعی باید توسط دستگاه اجرایی و مأمورین آن حفظ و نگهداری و احیاء شود، با وضعیت موجود مقدر نبوده و عملی نیست.

بحث و نتیجه گیری

1- عوامل قانونی و تشکیلاتی مؤثر در تخریب منابع طبیعی

در جدول شماره (1) پاسخهای داده شده به نقش عوامل قانونی، اداری و تشکیلاتی و سازمانی در ایجاد وضعیت کنونی در استانهای محل اجرا نشان می‌دهد که عامل کمبود نیرو و امکانات برای کنترل عرصه‌ها با 21/2٪ نظرات در رتبه اول و کم توجهی مأمورین، مسئولین و کارشناسان و به تعبیر بهتر کم انگیزه بودن مأمورین با 16/4٪ نظرات در رتبه دوم قرار دارد. عواملی چون عدم وجود قوانین

این صورت سرانه مسئولیتی و فنی و اجرایی هر نفر به 34334 هکتار افزایش یافته است. اگر براساس شاخص‌های موجود به عنوان یک کشور در حال توسعه برای اداره و مدیریت فنی، تخصصی و اجرایی یک نفر در 5000 هکتار از عرصه‌های منابع طبیعی برنامه‌ریزی شود به حداقل 27200 نفر نیروی متخصص و مرتبط نیاز می‌باشد. رتبه‌های سوم و چهارم و پنجم جدول شماره (1) به نوعی به قانون و قانون گذاری و مجری قانون مرتبط می‌باشد که مسئله حفاظت از منابع طبیعی در شرایط کنونی دارای اهمیت فوق العاده است. نگرش حاکم در مورد منابع طبیعی به مثابه «بانک زمین» یا «اراضی موات و قابل احیاء» و منابعی که باید تبدیل به احسن شوند، بدون توجه به نقش منابع طبیعی در حفظ آب و خاک و هوا و دیگر ارزش‌های زیست محیطی موجب آن شده تا به راحتی به نفع متجاوزین رأی داده شده و به بهانه‌های مختلف تغییر کاربری داده شوند. توجه شود که رتبه‌های ششم و هفتم یعنی پائین بودن میزان جریمه‌ها و عدم وجود قوانین قاطع نیز بار حقوقی و قانونی دارند و در دسته دوم عوامل قانونی و تشکیلاتی و سازمانی مؤثر در تخریب منابع طبیعی قرار می‌گیرند. یادآوری می‌شود که در جداول مربوط به استانها علاوه بر نسبت بالا، فراوانی عامل کمبود نیرو و امکانات برای کنترل عرصه‌ها در رتبه 1 و 7 مورد از 10 مورد یا 70 درصد می‌باشد، یعنی از 10 استان که به این عامل رتبه داده‌اند 7 استان آن را رتبه اول اعلام نموده‌اند. 3 مورد دیگر شامل استانهای

براساس آمار ارایه شده در سال 1377 سازمان جنگلها و مراتع کشور دارای 14140 نفر نیرو با طیف و درجات مختلف تحصیلی اجرایی و اداری و بسیار ناهمگون در این عرصه فعالیت و اشتغال داشته است. به زبان ساده تر یعنی مسئولیت اجرایی و اداری و حفظ و حراست و انجام کلیه فعالیت‌های لازمه در هر 7550 هکتار از این عرصه به عهده یک نفر از مجموعه فوق بوده و اگر دامنه را صرفاً "به بخش نیروی فنی و تخصصی موجود با طیفی از تحصیلات مرتبط و غیر مرتبط از فوق دیپلم تا لیسانس به تعداد 3430 نفر شاغل در سازمان تعمیم دهیم، بعد مسئولیتی و فنی و اجرایی برای هر نفر در عرصه موجود به 30000 هکتار خواهد رسید. این بحران کمبود نیروی انسانی متخصص و مرتبط به هنگامی آشکارتر می‌گردد که به عینه طی برنامه سوم شاهد و ناظر بر خروج حداقل 50 درصد از نیروی فنی و تخصصی موجود با بالاتر از سنوات خدمتی 20 تا 25 ساله فعلی در مراحل اجبار بازنشستگی و خلأ ناشی از عدم حضور آنان به عنوان با تجربه ترین نیروهای فنی تخصصی و تحصیل کرده مرتبط در امر اداره مسئولیت منابع طبیعی تجدید شونده کشور باشیم.

بر اساس آمار رسمی سازمان در سال 1383 تعداد کل نیروها با طیف ها و درجات مختلف به 13636 نفر کاهش یافته که تا حدی پیش بینی‌های فوق را تأیید می‌کند. طبق آمار یاد شده جمع نیروهای فنی و متخصص به 2997 نفر کاهش یافته که در

عمومی یا استفاده آزاد و بی برنامه از منابع طبیعی می باشد. شکل مدیریت تعاونی را می توان در مدیریت شرکتهای تعاونی مرتعداری و به نوعی طرحهای مرتعداری جستجو نمود که مسئول حدود 30/4 درصد تخریب منابع طبیعی یا رتبه‌های 3 و 4 می باشد. اشکال مدیریت خصوصی در قالب بهره‌برداران غیر محلی و بهره‌برداریهای چند خانواری و بهره‌برداریهای تک خانواری با رتبه های 5، 6 و 7، در مجموع 28/9 درصد تخریب منابع طبیعی را موجب شده‌اند.

در اینجا باید اشاره نمود که در طرحهای مرتعداری و شرکتهای تعاونی مرتعداری علیرغم وجود و تصویب دستورالعمل فنی بهره‌برداری و التزام به رعایت اصول فنی، به دلیل عدم رعایت ضوابط، عدم نظارت کامل بر اجرای درست دستورالعملها، عدم اجرای پروژه‌های پیش بینی شده در طرحها و در واقع عدم امکان اجرای این پروژه ها بدلیل بهره‌برداری در قالب سامانههای عرفی قبل از تهیه طرح و مسایل دیگر، نسبت بالایی از تخریب مراتع در اثر این شکل از بهره برداری ایجاد می شود.

توجه به جدول شماره (2) نشان می‌دهد که کمترین تأثیر را در تخریب منابع طبیعی (7/4 درصد) شکل بهره‌برداری در قالب بهره‌برداران فردی دارا می‌باشد. این موضوع که در تحقیق‌های بسیاری، بخصوص در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی نیز به اثبات رسیده است، بهترین شکل بهره‌برداری می‌باشد که باید از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و اندازه‌های اقتصادی آن مشخص شود.

گیلان، همدان و مرکزی می‌باشد که در توضیح آن باید اضافه نمود که در استان گیلان به دلیل اهمیت جنگلهای شمال از سالها قبل تعداد کافی نیرو و امکانات لازم جذب شده است. دو استان دیگر نیز به دلیل وسعت کم و احتمالاً تکافوی نیروهای موجود این عامل را رتبه اول عوامل قانونی و تشکیلاتی مؤثر در تخریب منابع طبیعی به حساب نیاورده‌اند.

2- اثر اشکال مختلف مدیریت در تخریب منابع طبیعی

به استناد تعاریف و مفاهیم، منابع طبیعی جزو « ثروتهای عمومی» یا «اموال عمومی» یا «اراضی ملی» یا به تعبیر فقهی آن «انفال» بوده و براساس اصل 45 قانون اساسی جملگی در اختیار حکومت اسلامی می‌باشند تا براساس مصالح و منافع عموم مورد استفاده و بهره برداری قرار گیرند یا به صورت دیگر، استفاده از آنها باید تحت نظارت دولت باشد.

در این رابطه در جدول شماره (2) اثر هرکدام از این روشهای بهره‌برداری از مرتع و جنگل‌ها در تخریب آنها در استانهای محل اجرای تحقیق با استناد به نظرات کارشناسان دست اندرکار منابع طبیعی آورده شده است. جدول شماره (2) نشان می‌دهد که مدیریت دولتی با 22/8 درصد نظرات در رتبه 1 از نظر تأثیر آن در تخریب منابع طبیعی می باشد. پس از آن مدیریت عمومی بهره‌برداران یا مدیریت مشاعی قرارداد که 17/9 درصد در تخریب منابع طبیعی نقش دارد. مجموع این دو مورد (40/7 درصد) معرف مدیریت

زباله و ... به طور اعم و ایجاد تفرجگاهها، طبیعت گردی، توریسم و غیره به طور اخص در دست اندازی و تخریب منابع طبیعی نقش دارند.

همانگونه که جدول شماره (3) نشان می‌دهد بر اساس نظر کارشناسان، روستائیان، نقش بیشتری نسبت به عشایر و شهرنشینان در تخریب منابع طبیعی دارند. این مسئله اینگونه قابل توجیه است که این گروه بدلیل جمعیت بیشتر و حضور دایمی در یک منطقه و تنوع شیوه های بهره برداری از عرصه های منابع طبیعی از کلیه قابلیت های عرصه های حضور خود استفاده مفرط نموده و لذا سهم بیشتری در تخریب آنها دارند.

در رابطه با اینکه روستائیان یا عشایر فقیر یا غنی (به تعبیر ذکر شده در قسمت نتایج) چه نقشی در تخریب منابع طبیعی دارند، جدول شماره (3) نشان می‌دهد که عشایر و روستائیان فقیر 58/6 درصد و عشایر و روستائیان غنی 41/4 درصد نقش دارند. توضیح اینکه، تعداد دام خانوارهای عشایری و روستایی در بیشتر از 70 درصد خانوارهای نمونه کمتر از میانگین بوده و به تعبیر توضیح ارایه شده جزء خانوارهای فقیر تلقی می‌شوند. باتوجه به فراوانی نسبی اینگونه خانوارها، سهم آنها در تخریب منابع طبیعی رقم بالا تری را نشان داده است.

واقعیت این است که دامداران فقیر توان خرید علوفه و تغذیه کمکی دامهای خود را ندارند. لذا به مقدار بیشتری به علوفه ناچیز مراتع متکی هستند. در بسیاری از مراتع استپی و نیمه استپی کشور تقریباً در کلیه

عبارت مزارع دامداری عبارت مناسبی است که می‌توان آنرا در این حالت بکار برد. بدین معنی که در صورت اجرای طرحهای مرتعداری در اندازه‌های اقتصادی، امکان حفظ عرصه‌ها، احیای آنها و ممانعت از تخریب ممکن خواهد شد.

مدیریت خصوصی بهره‌برداران غیر محلی که در این نظر سنجی، نسبت 12/1 درصد را در تخریب منابع دارا می‌باشد شکلی است که به شیوه‌های جدید واگذاری اراضی ملی جهت اجرای طرحهای مختلف به اشخاص غیر محلی اتلاق شده و علت نسبت قابل توجه آن در تخریب منابع طبیعی، تغییر کاربریها به شکل تفکیک اراضی، ویلاسازی، شهرک سازی، ایجاد باغهای خصوصی، طرحهای تفریحی و مواردی از این دست می‌باشد که در استان گیلان با نسبت 26/5 درصد رتبه اول را حایز شده که چندان دور از واقعیت نیست.

3- نقش گروههای اجتماعی و وضعیت اقتصادی آنها در تخریب منابع طبیعی

واقعیت این است که بستر زیست، معاش و فعالیت اقتصادی روستائیان و عشایر کاملاً در داخل عرصه‌های منابع طبیعی قرار دارد. این واقعیت موجب شده که این گروهها در تعامل بیشتر با منابع طبیعی بوده و لذا با اقدامات خود نقش بیشتری در تخریب منابع طبیعی داشته باشند. لیکن نباید از نظر دور داشت که شهرنشینان با توسعه فعالیت‌های خود مانند ایجاد کشت و صنعت‌ها، کارخانه‌ها، تأسیسات، راهها، فرودگاهها، جایگاههای دفع

موضوعاتی چون واحدهای اقتصادی دامداری، تقسیم مکرر عرصه‌ها به سطوح کوچکتر، ایجاد اشتغال مولد، جذب سرریز جمعیت در مشاغل تولیدی و بسیاری مسایل دیگر در دستور بررسی و تحقیق و ارایه راه حل قرار گیرد.

نکته مهم دیگری که با توجه به نتیجه‌گیری انجام شده می‌توان عنوان نمود، لزوم بازنگری در ساختار، تشکیلات، وظایف، نگرش و اهداف دستگاه متولی منابع طبیعی کشور و شیوه‌های استفاده و بهره‌برداری از عرصه‌های منابع طبیعی و بطور کلی آمایش سر زمین می‌باشد که باید در جای دیگری بدان پرداخته شود.

طول سال به جزء اندک روزهای برفی دامها در عرصه‌های منابع طبیعی حضور دارند. در توجیه نقش نسبتاً بالای دامداران غنی در تخریب عرصه‌های منابع طبیعی می‌توان اضافه نمود که اینگونه دامداران بدلیل توان مالی با خرید دام بیشتر و تشکیل گله‌های بزرگ و چرای خارج از ظرفیت در مراتعی که در اختیار دارند، در ایجاد این وضع نقش بازی می‌کنند.

موضوع دامداران خرده پا با تعداد اندک دام و داشتن نوعی اقتصاد معیشتی و افزایش مستمر تعداد اینگونه دامداران به دلیل تقسیم ماترک پدران بین فرزندان علی‌رغم مهاجرت تعدادی از آنها به شهرها، مسئله‌ای است که باید از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته و

منابع

- 1- انصاری، ناصر، 1375. محدودیت‌ها و موانع توسعه مراتع در زاگرس میانی و راه حلها، همایش ملی منطقه رویشی زاگرس، خرم آباد.
- 2- ابراهیم پور، محسن، 1380. عوامل انسانی مؤثر بر تخریب جنگلها و مراتع با تأکید بر منطقه زاگرس، جهاد، سال نوزدهم، صفحات 232-233 و 234-235.
- 3- حیدری، قدرت اله، 1377. بررسی و تحلیل اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح تجمیع جنگل نشینان و خروج دام از جنگل در منطقه لفور، پایان نامه دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس
- 4- خورشیدی، محمد، ناصر انصاری 1382. شناخت آگاهی عشایر و روستائیان نسبت به تخریب منابع طبیعی و عوامل آن در دهستان بازفت استان چهارمحال و بختیاری، فصلنامه پژوهشی تحقیقات مرتع و بیابان ایران- شماره 10 (1).
- 5- دهقانیان، سیاوش، علی اکبر سرافراز 1377. بررسی عوامل تخریب مراتع از دیدگاه اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی در شمال خراسان. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره 23. تهران. 156ص.
- 6- رضایی، جعفر، 1379. علل و عوامل عمده تخریب مراتع در استان ایلام، جهاد، سال نوزدهم، شماره 232-233.

- 7- رضوی، سیدمحمد، 1380. بررسی عوامل بوته کنی به عنوان یکی از عوامل مهم تخریب پوشش گیاهی در سمنان، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره 33.
- 8- سازمان برنامه و بودجه، گروه مطالعاتی هامون، طرح مطالعات جامعه عشایری، نظام بهره برداری، گزارش 15، سال 1370.
- 9- سرداری، منوچهر، 1378. بررسی نقش شیوه های مختلف بهره برداری و مدیریت در وضعیت مراتع استان چهارمحال و بختیاری، پایان نامه کارشناسی ارشد مرتعداری، دانشگاه تربیت مدرس.
- 10- شوکت فدایی، محسن، عباسعلی سندگل، 1378. مقدمه ای بر مدیریت دام و مرتع، دفتر طرح و برنامه ریزی و هماهنگی امور پژوهشی.
- 11- عبدالله پور، مصطفی، 1380. تعادل دام و مرتع، دومین همایش ملی مرتع و مرتعداری ایران
- 12- علی اکبرزاده آلنی، اسمعیل، غلامرضا خوشزار، 1379. بررسی رابطه بین نظام، مالکیت و تخریب مراتع در استان اردبیل، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اردبیل.
- 13- کریمی، سلیمان، 1379، ساختار اجتماعی عشایر کوچنده کرد و نیمه کوچنده ترکمن و رابطه آن با تخریب مراتع در شمال استان گلستان.
- 14- مهاجری، عبدالرضا، 1379. بررسی تغییرات سطح، ظرفیت، وضعیت و گرایش مراتع در ارتباط با سیاست گذاری و مدیریت در منطقه قورتهپی شهرستان سمیرم اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد. مرکز آموزش عالی امام خمینی، تهران.
- 15- وزارت جهاد سازندگی، بررسی نظام بهره برداری از مراتع، ساختار و تشکیلات سنتی، گزارش شماره 1، مهر ماه. 1368.
- 16- یوسفی، بازید، 1375. ترویج فرهنگ منابع طبیعی، راهبردی مناسب در احیای مناطق طبیعی در کردستان، همایش ملی منطقه ریشی زاگرس، خرم آباد.

Effects of legal and organization factors, resource management and social groups on the degradation of renewable natural resources

N. Ansari¹, S. J. Saiyed Aghlaghi Shal¹ & M. Fayaz¹

Abstract:

Renewable natural resources degradation as a main problem, has attracted the thought and force of experts and natural resources responsables during the last decades. Some effective factors in this category are legal (laws defficiency), organization and official legislations of natural resources organization. Aim of this research was to clear this factors. For his purpose, 11 provinces located in various climatic regions of country, were selected. Data collection was performed using a questionnaire including 7 questions about natural resources. The related experts opinion about legal affairs and official problems that contributed in renewable natural resources degradation was considered in the questionnaire. From total 876 sent questionnaire to the understudy provinces, 504 were received and analyzed. Results showed that no sufficient staffs and equipments (21.2%), no satisfaction and low motivation of personal (16.4%), no sharp legislation (16.2%), and other factors like no clarification legal and courts are effective in natural resources degradation. Management methods, are also effective in natural resources degradation. Government management is responsible for 22.8% of degradation. On the other hand, common utilization caused 17.9% of degradation and group management in range management projects due to their public management lead to 15.6% of degradation. Delivering the public lands to no indigenious peoples for some industrial projects leads to 12.1% of natural resources degradation. Rangelands cooperation management method as another method is responsible for 14.8% of degradation. Private management of natural resources by a family is the best method because it has the less effect on natural resources degradation. Due to socila groups different utilization methods, the resulted percentages in view point of their effect on natural resources degradation were as villagers 47.4%, nomads 32.3% and urbanites 20.3%. are effective in natural resources degradation.

Keywords: renewable natural resources-degradation-legal factors- organization factors-management- utilizers.